



۲۰۲۱/۱۰/۱۰



ولی احمد نوری

سید جمال الدین افغان

بخش دوازدهم

«ارنست رونان» (Ernest Renan) نویسنده، فیلسوف و مؤرخ بزرگ فرانسوی در سال های ۱۸۸۵م (معاصر سید جمال الدین افغان) در وصف او نوشته است: «زمانی که با سید جمال الدین افغان هم صحبت می شدم، حریت افکار و طبیعت نجیب و درست او، مرا به این اعتقاد امیداشت که من در برابر خودم یکی از آشنایان قدیم خویشتم را دارم. با حضور سید جمال الدین افغان و سخنانش تصور می کردم «ابن سینا» یا «ابن رشد» یکی از آن آزاد مردان دنیا را می بینم که روح انسانیت بوده اند. ارنست رونان

سید جمال الدین افغان

(بر انگیزنده انقلاب و مدنیت اسلام)

تخلیص، تصحیح و دوباره نویسی از ولی احمد نوری

تذکر : در کتابی به نام «سید جمال الدین افغان بر انگیزنده انقلاب و مدنیت اسلام» این مجموعه مقالات از چندین تن نویسندگان مصری است که توسط بناغلی محمد ظاهر غفاری ترجمه گردیده است و در این آثار بخش های مختلف زندگی سید جمال الدین افغان جلب توجه می کند که آنرا به سلسله نوابغ شرق معرفی می دارند.»

** ** ** ** ** ** ** **

در تاریخ معاصر اسلام در جمله نوابغ و رجال، هیچ دانشمند و فیلسوفی به اندازه سید جمال الدین افغان از شهرت و شناخت و احترام برخوردار نبوده باشد.

این شخصیت در کشور افغانستان به وزارت رسیده و در فارس (ایران امروزی) مشاور پادشاه بوده است. فیلسوف زاهد در دوران اقامت خود در قاهره از مال دنیا لباسی بیش نداشت.

افغانستان و ایران هر دو این شخصیت را منسوب به خود می‌دانند. نسب سید جمال الدین افغان به حضرت حسین بن علی رض می‌رسد.

در مورد شخصیت سید جمال الدین افغان نویسندگان مشهور و مذاققین کشورهای مختلف تحقیق نموده و موصوف را از جمله پیشوایان نهضت در کشورهای اسلامی می‌دانند. همواره وقتی پیشرفت مسلمین مطرح بحث قرار می‌گرفت، نام سید جمال الدین افغان به میان آمده و فلسفه پیام وی که شرق و غرب جهان را فرا گرفته و ملت‌ها را از خواب گران بیدار نموده ذکر می‌گردید.

این او بود که اهل شبه قاره هند را علیه انگلیس‌ها تحریک کرده و می‌گفت: «شما ای مردم هند اگر سنگ پشت می‌بودید و جزیره انگلستان را احاطه می‌کردید، اکنون آنرا به قهر دریا می‌کشیدید.»
این او بود که به دهقانان مصر در فرمانروایی خدیو اسماعیل می‌گفت: «ای دهقانان که زمین را با قلبه می‌شگافید، چه وقت دل ظالم را خواهید شگافت؟»

سید جمال الدین افغان ملقب به القاب شرف و به حقایق وجود انسانی آگاه بود و به مثابه سربازی بود که هیچگاه تن به ذلت نمی‌داد و به شاه و خلیفه سر فرود نمی‌آورد. زبان وی نزد ظالم به لکنت نمی‌افتاد.

سید جمال الدین افغان شخصی بود ثابت قدم که در چشمان او برق نکاوت و نیرو می‌درخشید. در حکمت و فلسفه وارد و قلب پر از ایمان داشت که هیچگاه شک و شبهه در آن راه نمی‌یافت. کلمات او مقدس و قوه فکری اش مانند شهابی بود که تاریکی‌ها را از راه حکمت و فلسفه می‌شگافت و پیوند مخلوق را به خداوند ارتباط می‌بخشید.

آثار گران بهایی که این فیلسوف بزرگ از خود باقی گذاشته مدارکی شمرده می‌شوند که دین را با حیات ارتباط بخشیده و عامل پیشرفت علوم در دول مختلف اسلامی می‌باشد.

آثار این متفکر افغان در تفسیر و بیان حقایق و دین به حد کمال رسیده و گذشته از آن در ساحات سیاسی و اجتماعی از بزرگترین آثار در انکشاف نوین فکری شمرده می‌شود.

در حقیقت سید جمال الدین افغان از متفکرینی می‌باشد که آثار وی در ساحات سیاست، حرب و دین از نمونه‌هایی محسوب می‌گردد که از آزادی بیان توأم با ایمان برخوردار باشد. وی همواره مردم را به مجادله در راه آزادی دعوت نموده و یکی از بزرگترین متفکرین جهان است که کوشیده خود را از قید تعصب رهانیده و به جستجوی حقیقت پردازد.

افکار آزادی خواهانه سید جمال الدین افغان و دعوت او به سوی آزادی هیچگاه خشک و بی اثر نبود و به این اساس در افکار غیر مسلمین و غیر عرب نیز اثر گذاشته است.

سید جمال الدین افغان به بیان حقایق ایمان عمیق و استوار داشت. حکیم و فیلسوفی بود که افکار عمومی مردم را با قلم منعکس ساخته و مقالات خود را با صراحت تام می‌نوشت.

شاگردان او همیشه از فیض وی مستفید گردیده و سید جمال الدین افغان در نوشتن آثار، آنها را رهنمایی می‌کرد. چنانچه تأسیس و نشر جریده (عروة الوثقی) به رهنمایی سید جمال الدین افغان به وسیله (شیخ محمد عبده) شاگرد وی که در بیداری ملل شرق نقش مهمی داشت مصدق این ادعا می‌باشد. بناءً شخصیت سید جمال الدین افغان از جمله شخصیت‌های مؤثر در حیات دول اسلامی در عصر حاضر (۱) تبارز نمود، خاصناً دول اسلامی عربی از افکار سید جمال الدین افغان استفاده بیشتر بردند، چنانچه شیخ محمد عبده شاگرد و همراه او یکی از پیشروان نهضت عربی می‌باشد.

اقامت سید جمال الدین افغان در ممالک عربی مقارن به زمانی است که تحول مهم در ساحه های سیاسی، ادبی و اجتماعی در این کشورها پدید آمده بود، و قرابت سید جمال الدین افغان به مردم و رهنمایی و تفهیم وی به شاگردانش در زمینه های آزادی از آنها شخصیت های بار آورد که بعداً از جمله علم برداران در مقابل ظلم و استبداد بودند. تحولات در ساحات مختلف سیاسی، اجتماعی و ادبی در حقیقت زاده افکار فیلسوف بزرگ افغانستان، سید جمال الدین افغان می باشد که انقلاب بزرگ فکری در این زمینه ها به وجود آورد. چنانچه در اثر افکار سید جمال الدین افغان بود که نهضت ادبی جدید که در ساحه شعر و نثر و نقد ادبی به وسیله (محمد سامی البارودی) به وجود آمده و شعر عربی را از حالت رکود طویل خارج ساخته و نثر نوین دور از سجع و بدایع ثقیل لفظی به سبک جدید به میان آمد و بعداً از جانب علمای دیگر مانند (محمد عبده)، (عبدالله فکری) و (قاسم امین) و غیره دنبال گردید. و همچنین به اثر افکار سید جمال الدین افغان بود که نهضت جدیدی در ساحه نقد ادبی به وجود آمد و مؤلف کتاب «السیرة الادبیه» (شیخ حسن المرصعی) با تألیف آن کتاب این نهضت را در عصر نوین انکشاف بخشید. همین طور نهضت اجتماعی که به وسیله افکار (قاسم امین) به میان آمد، نمونه دیگری از تأثیر افکار سید جمال الدین افغان در مورد می باشد.

جهان عرب برای نشو و نمای افکار انقلابی سید جمال الدین افغان محیط مساعدی بود و این محیط، سید جمال الدین افغان را در تطبیق افکارش موفق گردانید، در حالی که در سایر کشورها نسبت عدم محیط مساعد مؤفقیتی نصیب سید جمال الدین افغان نگردیده بود. بناءً سید جمال الدین افغان فرزند معنوی جهان عرب به شمار می رود و شخصیتی است که آتش تمدن را در جهان عرب برافروخته است.

■ سید جمال الدین افغان فرزند کهساران

در دل کوه های شامخ و سر به فلک کشیده افغانستان و در اطراف شهر کابل دهات و قرای قرار دارند که باشندگان آن دارای طبع خشن کوهستانی می باشند.

مردم این کهسار دارای عزت نفس خاصی بوده و سرهایی آنها مانند قلل شامخ آن بلند و قلوب نیرومند آنها در مقابل هر نوع مشکلات پایدار است و هرگز تزلزلی در آن راه نمی یابد. افکار شان چنان روشن می باشد که گویی آسمانی است که آفتاب در آن طلوع نموده.

در اطراف این سلسله کوه ها جنگ های به وقوع پیوسته و دولت هایی سقوط کرده و استعمارگران با وجودی که هند و فارس (ایران امروزی) را فتح کرده و بر آن تسلط پیدا کردند، قلل با عظمت این کهساران مانع و حایل تهاجم آنها به افغانستان سرزمین عقابان گردید.

استقلال این سرزمین توسط یک مظهر طبیعی حفظ و وضع طبیعی این کشور به باشندگان آن آموخت که چگونه از آشیانه عقابان این کوه پیکره های شامخ دفاع کنند.

از هنگامی که دعوت اسلامی به این سلسله جبال رسیده و نور قرآن و فروغ سنت محمدی (ص) در آن دیار تابید و باشندگان این سرزمین رسالت اسلام را با ایمان قوی پذیرفتند، این کشور مهد پرورش بزرگان و علما گردید.

در بین این قریه ها قریه ایست به نام «اسد آباد» که ۲۵۰ کیلومتر از کابل پایتخت افغانستان فاصله دارد. در این قریه فامیل شریف النسب و مؤقر عالیقدر و با کرامتی زندگی می نمود که از اولاد این خانواده یکی «سید صفر» نام

داشت. مردی بود شریف و نسب او به «علی الترمذی» محدث مشهور و سلسلتاً به حضرت حسین (رض) بن ابوطالب نواسه حضرت پیغمبر(ص) می رسید و گفته می شود که اسم یکی از اعقاب حضرت حسین نیز (صفدر) بود.

در سال ۱۲۵۴ هجری مطابق ۱۸۳۱ میلادی خداوند طفلی به سید صفدر بخشایش کرد. اقوام و خویشاوندان تولد او را گرامی داشتند و قلب آنها به این مناسبت مملو از سرور و شادی گشت.

این خاندان در منطقه «کنر» نفوذ و اقتدار زیادی داشت و افراد آن به نفوذ و اقتدار خود در آنجا می بالیدند و در چنین خانواده بود که سید جمال الدین چشم به جهان گشود و پرورش یافت.

نفوذ و اقتدار این خاندان چنان چشم گیر بود که امیر دوست محمد خان پادشاه افغانستان ضمن یک مسافرت به کنر به سید صفدر و بعضی از برادران او امر نمود تا در شهر کابل اقامت گزینند و به این ترتیب در نظر داشت تا این خاندان را مستقیماً تحت نظر خود داشته باشد. در این موقع سید جمال الدین افغان بیش از هشت سال عمر نداشت.

این طفل تعلیمات ابتدایی را از پنج سالگی آغاز کرد و در مدرسه محلی قریه اسد آباد دوام داد. بعد از آنکه پدر و خانواده اش به کابل منتقل شدند، در مدارس کابل مبادی علوم عربی، تاریخ و علوم شرعی را آموخت. وی تحصیلات خود را در رشته های فوق به سن ۱۸ سالگی به اتمام رسانید و متعاقباً به تحصیل لسان های عربی و ترکی پرداخت. سید جمال الدین افغان افتخارات خود را مانند سایر مردم مقرون به نام پدر نمی دانست و فقط به نسب خود که به خاندان مطهر نبوی می رسید اکتفا می نمود.

چه باید باشد؟ کسی که جد اعلاش حسین بن علی باشد آیا جا دارد که خود را به دیگران منسوب کند؟ این رادمرد بزرگ از میراث علمی برخوردار بوده و همیشه در پی کسب علم کوشان و شرف و حیثیت خود به معرفت قرآن و سنت نبوی به روش جد بزرگوار خود تکمیل نمود.

اشراف و بزرگان در دول اسلامی از اشتغال به حرفه ها تنگ داشتند و آنرا لایق مقام و حیثیت خود نمی دانستند. حتی دیده شده است که آنها زندگی فقیرانه و فلاکت باری داشته اند، اما هیچگاه راضی نشده اند که به طور اجیر نزد دیگران کار کنند و این از آن سبب است که مقام و آزادگی نفس خود را محفوظ نگه می دارند.

جد اعلا سید جمال الدین افغان سید محمود نام داشت و در ولایت کنر با استقلال حکم می راند و آن ولایت را اداره می نمود و یکی از قریه های این ولایت قریه اسد آباد است که اسم محمود تا کنون در آنجا معروف و عدالت وی ضرب المثل عام می باشد.

ارزش و بزرگواری سید جمال الدین افغان منحصر به نسب و اصالت وی نبود. او غنی بود و دیگران فقیر، اما غنای او به مال دنیا نبود بلکه وی غنای نفس داشت. هرگز به این امر افتخار نمی کرد که در دودمان بزرگی متولد شده است و آنها دارای لوازم عالی زندگی و اثاثیه گران بها می باشند بلکه مایه افتخارش این بود که از اولاد حسین بن علی (رض) می باشد.

به این ترتیب شخصیت سید جمال الدین افغان در جامعه مسلمان افغانستان عرض وجود نمود و چنین طفلی در یک خانواده با قدرت و شرافت متولد گردید که در بدو تولد چشمان خود را به روی مردمان قوی و شریفی باز نمود که بر حکم نسب بر عامه مردم تسلط داشتند.

جامعه افغان از میراث اسلام استفاده زیادی نموده و علمای بزرگی را در دامان خود پرورانیده است. «سید علی ترمذی» مستوفی (۲۷۹ هجری - ۹۸۲ میلادی) از نیاکان سید جمال الدین افغان است و یکی از مشهورترین محدثین

است که احادیث زیادی از رسول اکرم روایت نموده، و افغانستان تا حال به حفظ این میراث کمال اهتمام را به خرج داده است.

شکی نیست که سید جمال الدین افغان در طفولیت قرآن کریم و بسیاری از احادیث حضرت رسول اکرم (ص) را حفظ نموده و علوم عربی را از مشایخ قریه خود اسعد آباد کُنر و همچنان در کابل فرا گرفته است. برای شخصیتی چون سید جمال الدین افغان شگفت آور نیست که این همه علم را در کودکی و آغاز جوانی آموخته باشد، زیرا کسانی که از ذکاوت کم نظیر وی در طفولیت و جوانی یاد نموده اند، این حقیقت شگفت انگیز و خارق العاده را تأیید نموده اند.

همچنان این موضوع شگفت آور نیست که سید جمال الدین افغان تحصیل خود را در پنج سالگی آغاز نموده زیرا در آن زمان رسم چنان بود که در دربار اسلامی، اطفال به حفظ قرآن کریم و تجوید می پرداختند. این جاست که سید جمال الدین افغان توانست از ۵ سالگی تا ۱۸ سالگی علوم زیادی را فرا گیرد و بعد از آن سفری به شبه قاره هند نموده و در مدت یکنیم سال در آنجا به تحصیل علوم جدید ریاضی پرداخت و اندکی به زبان انگلیسی آشنا شد.

مؤرخین از چگونگی زندگی سید جمال الدین افغان در هند و طرز استفاده وی از علمی که انگلیس ها در آن دیار منتقل ساخته بودند، ذکری ننموده اند، اما واضح است که این سفر اثر عمیقی در افکار جوان انقلابی افغان گذاشته است. زیرا در آنجا بود که وی به حقیقت استعمار از نزدیک پی برده و به صورت آشکارا درک نمود که چگونه ملیون ها باشندگان شبه قاره هند را به غلامی و بردگی کشانیده اند که نظیر آنها حتی در زمان روهی ها هم نمی توان سراغ کرد.

از همین جاست که سید جمال الدین افغان به فکر ایجاد یک جامعه واحد اسلامی افتاد. مفکوره سید جمال الدین افغان در مورد جامعه واحد اسلامی چنین بود که این امر شامل همه دول اسلامی گردیده و به صورت یک دولت واحد علیه استعمار و استثمار قد علم نماید.

محور امید های سید جمال الدین افغان اتحاد همگانی اسلام بود و وی حیات خود را به منظور رسیدن به این هدف بزرگ وقف نمود که یگانه عامل اساسی این مفکوره به شمار می رفت.

عده ای از محققین مفهوم وحدت اسلامی را وحدت در هدف می دانند نه در اتحاد دول. ولی فیلسوف بزرگ افغان سید جمال الدین افغان وحدت و یک پارچگی دول و ملل اسلامی را آرزو داشت. (۲)

سید جمال الدین افغان فلسفه های شرق را از شبه قاره هند و فارس (ایران امروز) آموخت و به مرتبه تصوف فلسفی زاهدانه رسید.

« ادیب اسحق » یکی از شاگردان سید جمال الدین افغان در وصف او گفته است :

"سید مجرد و عیف النفس بود، با خشوع و نماز گذار بود. کمتر می خوانید و روزانه بیشتر از یکبار غذا نمی خورد، اما جای زیاد می نوشید و سگرت زیاد می گشید. همیش مایل به مباحثه بود. دارای حافظه قوی و سریع بود و با استدلال سخن می گفت. به اندازه ای زیرک بود که گویی می توانست اسرار درونی طرف مقابل را کشف نماید. اما با وجود فضلش مزاج عصبانی داشت."

شاگرد بزرگ، مرید و پیرو سید جمال الدین افغان «محمد عبده» گفته است :

"سید جمال الدین افغان میل زیادی به طریقت بزرگان متصوف داشت و به شدت پابند ادای فرایض بود. وی فلسفه تصوف را وسیله ای برای رسیدن به اتحاد اسلامی قرار داد.

در وجود سید جمال الدین افغان گنجینه های اسلام با حکمت و فلسفه ممزوج گردیده بود و خداوند(ج) به وی قدرت فوق العاده استفاده از علوم را بخشایش کرده بود. تا حدی حافظه قوی داشت که گفته شده هر گاه کتابی را در موضوعی مطالعه می نمود، یک کلمه از آن از ذهنش زایل نمی شد. این حالت بر امثال وی شگفت نیست چنانچه «ابوالعلاء المعری» هرگاه کتابی را می شنید (۳) فوراً هر حرف آنرا به حافظه می سپرد و برای مردم قرائت می نمود. بدین طریق شخصیت این فیلسوف بزرگ افغان در اوج جوانی تکامل یافته و پیام اسلامی خود را قبل از رسیدن به سن بیست سالگی شروع کرد، سپس مرحله نوینی در زندگی وی پدید آمد، در ضمن سفرها و سیاحت ها مجادله را با گردن کشان و مستبدان در همه جا آغاز نمود.

پایان بخش دوازدهم
ادامه دارد

تبصره از ولی احمد نوری

- (۱) برای خواننده عزیز باید واضح باشد که «عصر حاضر» در متن مذکور عبارت از قرن نوزدهم میلادی است.
- (۲) بدون شک میتوان گفت که مفکوره ایجاد حرکت «اخوان المسلمین» نخست در کشور مصر و سپس آهسته آهسته در تمام دول اسلامی از همین مفکوره سید جمال الدین افغان بوجود آمده است.
- (۳) این متفکر بزرگ از بینایی چشم بی نصیب بود.



برای مطالب دیگر ولی احمد نوری روی عکس کلیک کنید